

# روند تحول

## در مفهوم

## مشاوره

و

## راهنمایی

برنامه درسی و ... است. در ابتدای امر مصاحبه فردی تنها وسیله راهنمایی بود و امروز راهنمایان، فنون و ابزار گوناگونی را به کار گرفته‌اند تا بتوانند تصویر جامعی از استعدادها و مشکلات، احتیاجات، علاقه‌ها، و شخصیت شاگرد را به دست آورند.

در گذشته وظایف راهنمایی به عهده

برنامه‌های راهنمایی مدارس را در گذشته به صورت تأمین نیازمندیهای آموزشی، حرفه‌ای، روانی و اجتماعی کودکان تشریح کرده‌اند. اما اغلب برنامه‌های راهنمایی در راه تأمین یک یا دو منظور تنظیم شده است و بقیه اهداف را در درجه دوم اهمیت قرار داده و فقط بطور اتفاقی در برآوردن آنها اقدام کرده است. امروز در برنامه‌های راهنمایی به همه جنبه‌های آموزشی، حرفه‌ای، روانی و اجتماعی تأمین نیازهای کودک توجه می‌شود. به عبارت دیگر راهنمایی میدان عمل خود را توسعه بخشیده و در اختیار دانش‌آموزان در همه مقاطع تحصیلی قرار داده است.

ابتدا راهنمایی را به صورت قسمتی مفید اما غیر اساسی از برنامه مدارس می‌دانستند، اما امروز راهنمایی به عنوان یک وظیفه قطعی، لازم و نافذ مدرسه تلقی می‌شود. در گذشته راهنمایی خدمتی رسمی ولی سازمان نیافته بود که به انتخاب شغل محدود می‌شد و امروز به صورت یک سلسله خدمات راهنمایی و شخصی بسیار پیشرفته و هماهنگ در آمده است. بنابراین امور راهنمایی شامل تمام جنبه‌های رشد و تکامل شاگرد است. در گذشته راهنما شخصی ناصح بود و امروز نقش مشاور، ارزیابی کننده پیشرفت فرد، کمک دهنده به او در حل مشکلات، رابط بین خانه و مدرسه و هم آهنگ کننده فعالیت‌های راهنمایی کارمندان و معلمان و طرف مشورت در تنظیم



اوست. مفهوم تازه آموزش و پرورش، سازگاری با موقعیت‌های زندگی بوده، خدمات راهنمایی با هدف حمایت از مدارس و ایجاد تسهیلات لازم برای رسیدن به آن سازمان یافته است.

برنامه جدید راهنمایی با تأکید بر رشد و سلامت روان کودک گسترش می‌یابد و لذا اجرای آن به صورت توجه به همه جوانب رشد کودک و همگی ابعاد شخصیت او بر روش قدیمی تشخیص و درمان برتری چشمگیری یافته است. با این تعبیر لزوم و گسترش خدمات راهنمایی و مشاوره در تمام مقاطع تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان یک ضرورت مسلم در همه جوامع پیشرفته است.

---

سازمان دهی برنامه و خدمات راهنمایی در

### مدارس

---

به منظور رفع نیازمندیهای دانش‌آموزان

معلمان و مدیرانی بود که برای این کار تربیت نشده بودند و امروز گرایش به این است که در مدارس یک نفر مشاور و یا متخصص راهنمایی تربیت شده وجود داشته باشد.

در گذشته منظور مدرسه فقط آموزش دادن و تنها چیزی که ارزشیابی می‌شد تواناییها و عدم تواناییهای ذهنی کودک بود، و بر حسب تواناییهایی که داشت و یا به علت نداشتن استعدادهاى مورد نیاز به او توصیه می‌شد که فلان رشته را انتخاب کند یا فلان دوره را انتخاب نکند، اما اکنون پیشرفت همه جانبه کودک مورد نظر مدارس جدید است و تنها به کسب مهارتهای آموزشی و یادگیریهای دروس اکتفا نمی‌شود، بلکه هدف رشد همه جانبه شخصیت کودک است تا به جایگاه و مقام یک فرد بزرگسال کامل و برخوردار از سلامت روان برسد. از جمله اموری که مورد توجه است سازگاریهای حرفه‌ای، اجتماعی و شخصیتی

متخصصان و راهنمایان حرفه‌ای گذاشت و آموزگار در این جریان فقط به آنان کمک می‌کند. برنامه راهنمایی مدارس متوسطه و دانشگاهها اغلب از این قبیل بوده، برای مدارس ابتدایی کمتر عملی است. این برنامه مسؤلیت راهنمایی را از دوش آموزگاری که در تمام مدت روز با شاگرد سروکار داشته و از لحاظ منطقی مؤثرترین عامل اجرای راهنمایی تواند بود، برمی‌دارد. اگر این نوع راهنمایی بهترین روش هم می‌بود دسترسی به آن همه متخصص که با تمام شاگردان کار کنند برای اغلب جوامع غیر ممکن و یا بسیار مشکل می‌نمود.

روش سوم: خدمات راهنمایی را به عهده یک گروه که از افراد مختلف تشکیل می‌شود، می‌گذارد. این افراد عبارتند از: والدین، معلم، متخصص راهنمایی، کارگزاران اجتماعی و مدیر مدرسه. در این روش معلم به عنوان یک عضو از گروه راهنمایی خدمت می‌کند. مشکل این نوع راهنمایی گروهی آن است که نباید به خدمات راهنمایی برای شاگردان اکتفا کند، بلکه علاوه بر آن باید به صورت خدمتی درآید که در اختیار همه کارکنان و افراد مسؤل راهنمایی قرار گیرد.

در اغلب مدارس ابتدایی که برنامه راهنمایی را اجرا می‌کنند روش اول انتخاب می‌شود، یعنی معلم عامل اصلی است و متخصصان به عنوان یک مرجع خدمت می‌کنند.

### راهنمایی در مدارس ابتدایی

سازمانهای راهنمایی در سطح ابتدایی حتی

برنامه‌های مختلفی برای راهنمایی ابداع شده است که تمام آنها متکی بر یک اصل کلی است. این اصل کلی عبارت از آن است که هر دانش‌آموز باید مشاور داشته باشد که او را بخوبی بشناسد و یاری کند تا تجارب، اطلاعات و راهنمایی مورد نیاز خود را کسب نماید. این شخص (مشاور) ممکن است معلم یکی از مواد درسی یا آموزگاری که قسمتی از وقتش به مشاوره با دانش‌آموزان اختصاص یافته، یا یک مشاور آموزش دیده و یا سرانجام یک متخصص تمام وقت باشد، اما برنامه راهنمایی هرچه باشد معلم در آن سهم بسیار مهمی دارد. برای اجرای برنامه راهنمایی در مدارس ابتدایی باید سه روش عمده را ذکر کرد:

روش اول: راهنمایی در کلاس درس را مورد تأکید قرار داده، آموزگار را عامل اصلی اجرای این برنامه می‌داند. به موجب این روش معلم باید برای اجرای این نقش خود تعلیمات لازم را ببیند تا بتواند فنون راهنمایی را در کلاس خویش اجرا کند و متخصصان آزموده در این نوع برنامه فقط برای کمک به معلم در موارد استثنایی که در صلاحیت وی نباشد به کار گرفته می‌شوند. برنامه متمرکز بر معلم مایل است که راهنمایی و آموزش را به عنوان دو امر مترادف تشریح کند و هر نوع راهنمایی که بدین صورت اجرا می‌شود با برنامه تحصیلی و جریانات روزمره کلاس به هم آمیخته است.

روش دوم: مسؤلیت عمده را به عهده مشاور، و یا متخصصان راهنمایی دیگر که در آموزشگاه خدمت می‌کنند می‌گذارد. این نوع راهنمایی توجه خود را به مسائل حل نشده معطوف می‌دارد و معتقد است که مسائل شخصیتی و آموزش خاص را باید به عهده



پیش از آنکه راهنمایی به صورت رشته مستقلی درآید از طرف عده‌ای از بنیانگذاران انقلاب فرهنگی از قبیل روسو، پستالوزی، مونتسوری، دیوئی و دیگران اظهار شده بود.

پاره‌ای دیگر از مفروضات اساسی راهنمایی مبنای ایجاد مدارس جدید واقع شده است. مثلاً راهنمایی می‌پذیرد که رفتار می‌تواند به وسیله فرد مورد تغییر واقع شود و آموزش و پرورش مشتمل است بر تغییر رفتار به وسیله ایجاد موقعیتهای خاص یادگیری برای فرد. این نظر آموزش و پرورش در مدرسه ابتدایی اهمیت خاصی دارد، زیرا در اینجاست که کودکان یک دوره بسیار مهم رشد و نمو را طی می‌کنند و اساس تمام یادگیریهای بعدی را بی‌ریزی می‌نمایند. راهنمایی نیز از آن نظر که می‌کوشد تا از بروز موانع رشد و نمو جلوگیری کند متوجه پیشرفت فرد است و اصول آن هم از رفتار انسان و هم از روابط میان فرد یا محیطش

برای ممالک پیشرفته نیز تازه است و به رغم احتیاج شدید این دوره از تعلیمات به امر راهنمایی، دلایل چندی موجب شده است که ورود خدمات راهنمایی به این دوره تا این حد به تعویق افتد. راهنمایی ابتدا به صورت "راهنمایی حرفه‌ای" آغاز شد، به همین جهت بیشتر در مدارس متوسطه کاربرد داشت. همچنین در مدارس ابتدایی شاگردان یک کلاس فقط با یک معلم سروکار داشتند و تصور می‌رفت که معلم ابتدایی می‌تواند توجه فردی لازم را به یک شاگردان مبذول دارد.

امروز مفاهیم اساسی راهنمایی نقش بسیار مهمی را در ایجاد مدارس ابتدایی جدید ایفا کرده است. برای این اقدامات دلایل فراوانی وجود دارد. یکی از این دلایل قبول این عقیده است که با کودکان باید به صورت افرادی متفاوت از یکدیگر و به عنوان اشخاص حقیقی رفتار کرد. این نظر چیز تازه‌ای نبوده و خیلی

## ۱ - چه کسی مسؤول راهنمایی است؟

لزوم ایجاد راهنمایی برای کودکان در سنین مختلف امری است که هم به توسط والدین و هم به وسیله متخصصان تربیت مورد قبول واقع شده و کوشش‌های دامنه‌داری به عمل آمده است تا در سازمانهای آموزشی وظیفه راهنمایی را لااقل تا حد زیادی به عهده متخصص راهنمایی بگذارند. اما خوشبختانه در سالهای اخیر بسیاری از متخصصان متوجه این حقیقت شده‌اند که تنها فردی که در دبستان همواره می‌تواند نقش یک راهنمای مؤثر را بخوبی ایفا کند معلم کلاس است. موضوع دیگری که مورد توجه قرار گرفته این است که تنها دانش‌آموزان دشوار و دارای مشکل نیستند که به راهنمایی‌های گوناگون محتاجند، بلکه این خدمت باید در اختیار عموم دانش‌آموزان قرار گیرد؛ زیرا شاگردان عادی نیز به راهنمایی منطقی نیاز مبرم دارند. مثلاً کودکان باهوشی که وارد مدرسه ابتدایی می‌شوند غالباً از برنامه‌های عادی آمادگی که برای آنها لزومی ندارد به تنگ می‌آیند و از خواندن کتابهای معمولی که علاقه آنان را برنمی‌انگیزد، ناراحت می‌شوند. امتحانات آخر سال مبین این نکته است که گرچه این قبیل شاگردان نمرات بسیار خوبی گرفته‌اند اما در طول سال به اندازه کافی مطلب نیاموخته‌اند و در نتیجه غالباً قدرت ابتکار این قبیل کودکان در هم شکسته می‌شود. آموزگار ابتدایی همان کسی است که باید مسؤولیت راهنمایی را در دوره ابتدایی به عهده بگیرد. اوست که بیش از همه با شاگردان کلاس سروکار داشته و فرصت کافی برای آشنایی با

اشتیاق یافته است تا رفتارهای ممکن آینده فرد را پیش‌بینی کند. این پیش‌بینی معلم را متوجه امر راهنمایی می‌سازد تا شاگردانش را برانگیزد و محیط مدرسه را آن‌گونه مهیا سازد تا موجبات رشد آنان فراهم آید.

## نیاز به راهنمایی در مدارس ابتدایی

شرایط فراوانی در داخل و خارج مدرسه وجود دارد که احتیاج به شروع هرچه زودتر راهنمایی را افزایش می‌دهد. الگوهای رفتار با بالا رفتن رشد فرد ثبات بیشتر می‌یابند و هنگامی که دانش‌آموز به دبیرستان وارد می‌شود دیگر تغییر پاسخها و فراگرفته‌های او مشکل است. مشکلاتی که در دوران ابتدایی نمو و توسعه یافته باشد در سالهای نوجوانی به صورت حادی جلوه می‌کند و چون تغییر الگوهای رفتاری در سن مدرسه دوره راهنمایی و دبیرستان مشکل است لذا این دسته کوچک از دانش‌آموزان دشوار این دوره‌ها (راهنمایی و دبیرستانی) ممکن است قسمت اعظم وقت مشاور را اشغال کنند. بنابراین باید معلمان ابتدایی را آگاه ساخت که برای جلوگیری از شدت یافتن مشکلات کودکان در پایان دوره دبستان، لازم است برنامه راهنمایی را در سطح ابتدایی شروع کرد. یک دیدگاه جدید لزوم تعمیم راهنمایی را برای همه شاگردان مورد تأکید قرار داده، با منحصر کردن آن در خدمت افراد معدودی که دارای مشکلات رفتاری، دشواریهای یادگیری و ناراحتی‌های عمیق هستند، مخالف است. بنابراین کاملاً منطقی است که راهنمایی وظایف خود را تا آنجا که ممکن است زودتر در سطح ابتدایی آغاز کند.

کودک دارای یک رشته احتیاجات اجتماعی و شخصیتی است که بنا به گفته "بلر" از اجتماع آموخته است و اثر پایداری بر جریان رشد و نمو کودک دارند. "بلر" احتیاجات اساسی فرد را به شرح زیر دانسته است:

۱- احتیاج به مقام و موقعیت اجتماعی: هر کودک می خواهد که دیگران او را بشناسند و به او توجه کنند و طالب احترام والدین، معلمان و همسالان خویش است.

۲- احتیاج به امنیت خاطر: کودکان مشتاق دوام و ثبات زندگی خویشند. عدم اطمینان شدید مثلاً در مورد وضعی که در گروه خود دارند یا نگرانی و اضطراب از اینکه آیا در فلان امتحان قبول خواهند شد یا نه؟ موقعیت ناگواری را برای آنان ایجاد می کند.

۳- احتیاج به محبت: هرکسی در جستجوی عشق و محبت است و معلم خوب کسی است که خالصانه شاگردان خویش را دوست

تواناییها و کمبودهای کودکان دارد. اوست که باید بزرگترین سهم را در راهنمایی کودکان تقبل کند، خواه متخصص راهنمایی جداگانه ای در دبستان باشد یا نباشد و در عین حال که قسمت اعظم کار راهنمایی به عهده معلم گذاشته می شود مسلماً متخصصان فن نیز باید در اختیار مدارس باشند.

## ۲- نیازهای اساسی کودکان

آموزش برای کودکی که احتیاجات اساسی وی ارضاء نشده است مؤثر نتواند بود و این امر بخصوص در باره کودکانی که رشد کافی برای حل مشکلات و غلبه بر ناکامیهای خود ندارند بیشتر صادق است.

احتیاجات اساسی کودکان عبارت از نیازهای بیولوژیک (زیستی)، از قبیل احتیاج به غذا، آب و استراحت و فعالیت است. همچنین



در این چمن مکنم سرزنش به خود رویی  
چنانکه پرورشم می دهند می رویم

حافظ

مقدمه

امروزه آسیبهای اجتماعی عوارض غیر قابل  
انکاری را برای جامعه انسانی به دنبال آورده  
است. اگر بخواهیم بحث را در سطح جامعه  
دانش آموزان نوجوان و جوان متمرکز کنیم  
اهمیت و حساسیت کجرویها و تأثیرات آنها نیز  
به مراتب بیشتر جلوه گر می شود.

کجروی عملی است که با هنجارهای جامعه  
هماهنگی ندارد و به عبارتی بر خلاف ارزشهای  
فرهنگی و اجتماعی مسلط است. نوجوان در  
سنین پرا التهاب بلوغ از نشیب و فرازهای روانی  
بسیاری عبور می کند و مصون ساختن وی از

# بعد از خانه

## کجا؟

# بعد از مدرسه

## کجا؟

کاوه تیموری





عوارض ناشی از کج رویها در این دوره بحرانی، تنها با شناخت عوامل محیطی مؤثر مانند خانواده، مدرسه و گروه همالان<sup>۱</sup> ممکن است. در اینجا بنای آن را داریم تا دو محیط خانواده و مدرسه را به عنوان دو کانون بنیانی و اساسی در رشد و تربیت نوجوانان و نیز نقش مهم این دو نهاد را در حراست و حفاظت نوجوان از آسیبها بررسی کنیم.

### خانواده

خانواده به عنوان کانونی آمن از نظر روانی و زیستی بیشترین امکانات را برای زندگی خالی از اضطرابات و هیجانات در اختیار نوجوان قرار می دهد. خانواده اجتماع کوچکی است که پدر نقش اقتصادی و اجتماعی آن را ایفاء می کند و مادر تأمین کننده و قوام بخش بعد عاطفی آن به شمار می آید.

### گروه

نوجوان در گروه قرار می گیرد ارزش بیشتری برای گروه و تعلق به آن، و همچنین روابط بین گروهی قائل است، تا جایی که رفتار و نظریات گروه برای وی در حکم مرجع تلقی می گردد. معمولاً این نقش آن قدر پررنگ می شود که در هنگام انتخاب بین دو عمل، دیدگاههای خانواده و پدر و مادر در حکم گروه مرجع منفی برای نوجوان قلمداد می شود. مفهوم گروه مرجع منفی این موضوع را تداعی می کند که در مقابل آن گروه مرجع مثبت وجود دارد. برای روشن شدن این مفهوم، با رجوع به ادبیات فارسی آن را ساده تر بیان می کنیم.

در هر حال باید در نظر داشته باشیم که حتی در خانواده هایی که نوجوان از مزایای اجتماعی و عاطفی لازم برخوردار است، باز شاهد رفتارهایی هستیم که در ردیف کج رویها قرار می گیرد. مقصود اینکه ریشه های کج روی تنها مربوط به محیط خانواده نمی شود. به عنوان مثال عدم بازده مطلوب درسی تحت تأثیر گروه و مسائل و مشکلات دوست یابی به دلیل ناآشنایی با معیارهای انتخاب دوست خوب باعث می شود که نوجوان در حلقه دوستان یا همکلاسیهایی وارد شود که زمینه رفتارهای نابهنجار را در وی ترغیب می کنند. هنگامی که





دانش آموان انجام شده، جلب می‌کنیم. در این تحقیق با جامعه آماری ۳۷۹۵۰ نفر در یکی از شهرستانها، مشکلات دانش‌آموزانی که به ستادهای تربیتی گزارش شده، در جدول زیر دسته‌بندی شده است.<sup>۱</sup>

میزان درصد	مشکلات
۵۶٪	مشکلات خانوادگی
۱۵/۵٪	مشکلات آموزشی
۱۴٪	مشکلات رفتاری
۸/۵٪	مشکلات عاطفی
۷٪	مشکلات جسمانی
۱۰۰٪	جمع

ملاحظه می‌شود که ۵۶٪ از مشکلات تربیتی دانش‌آموزان مستقیماً در ارتباط با خانواده است. از سوی دیگر مشکلات آموزشی، رفتاری و عاطفی نیز بی‌تردید با

این تمثیل را بارها شنیده‌ایم که از لقمان پرسیدند ادب از که آموزشی؟ گفت از بی ادبان. یعنی هرچه آنان انجام دادند من از آن سرباز زدم و یا عکس آن را انجام دادم. این ضرب‌المثل در اصطلاح روان‌شناسی اجتماعی بیانگر گروه مرجع منفی است. تحقیقات نیز نشان داده است که نوجوان در انتخاب بین آرای خانواده و آرای گروه به جانب گروه متمایل است.

حال با توجه به این نکته که خانواده به دلایل گوناگون مانند نبود فرهنگ شایسته و امکانات اقتصادی، نداشتن روابط و مناسبات اجتماعی مطلوب و سایر عوامل، همواره نمی‌تواند تواناییهای تربیتی لازم را داشته باشد، به این نتیجه می‌رسیم که فرایند تربیت فرزند از کیفیت مطلوب برخوردار نیست و این امر منجر به بروز مشکلات تربیتی می‌شود.

برای اثبات این فرضیه توجه شما را به نتایج تحقیقی که در مورد دسته‌بندی مشکلات

محیط خانواده مرتبط است و اگر به ارتباط غیر مستقیم مشکلات فوق با خانواده قائل باشیم نتیجه می‌گیریم که ۹۴٪ از مشکلات دانش‌آموزان به طور مستقیم و غیر مستقیم به محیط خانواده بازمی‌گردد.

#### مدرسه

مدرسه کانونی است که در آن دانش‌آموز در معرض تجربیات جدید قرار گرفته، وجود همکلاسیها، شرایط و روابط تازه، عرصه‌ای را برای کسب مهارت‌های اجتماعی فراهم می‌کند و نهایتاً آموزش رسمی او را برای یادگیری میراث فرهنگی جامعه در قالب تعلیمات کلاس و کتاب آماده می‌سازد.

مدرسه در طول مکان‌های تربیتی مهم، خانه دوم دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد، چرا که وی زمان بسیاری از سال را در مدرسه سپری

می‌کند. دانش‌آموز با یافتن مناسبات تازه در گروه، خود را برای حضور در جامعه بزرگتر آماده می‌سازد و ایفای نقشها و انجام وظایف به نوعی در شکل‌گیری شخصیت و منش وی مؤثر واقع می‌شود. مدرسه از یک سو باعث ارتقای دانسته‌های علمی فرد می‌شود و از سوی دیگر با برجسته ساختن حس نوع دوستی و قرار دادن دانش‌آموز در آینه جمع به حضور موفق او در محیط اجتماعی کمک می‌کند و از این رهگذر، جامعه پذیری و اجتماعی شدن فرد را که به صورت بالقوه در وی وجود دارد، عملی می‌سازد.

#### محور اساسی بحث

تأکید ما در این بحث بر یک مسأله عمده است و آن اینکه چنانچه نوجوان و دانش‌آموز درافت و خیزهای روحی دوران بلوغ در اثر





تحریکات گروه‌های گوناگون ارتباط عاطفی خود را با محیط خانه قطع کند، چه سرنوشتی در انتظار او خواهد بود؟ و در همین معنا آیا نوجوانی که خانواده را به عنوان کانون مهر و محبت از یاد برده باشد، تعلق خاطری به مدرسه دارد؟

دانش‌آموزان علاقه‌مندند که محصول کارخویش را با دنیایی از اشتیاق و شور به خانواده برده، خود را در معرض نسیم مهرآمیز و تشویق‌های پدر و مادر و اطرافیان قرار دهند. حال اگر این نیاز دانش‌آموزان برآورده نشود چه تضمینی وجود دارد که آنان پس از خانه و مدرسه در معرض هجوم عوامل مخرب قرار نگیرند؟ مطالعه وضع دانش‌آموزانی که از محیط خانواده طرد شده و به دلیل شرایط نامطلوب درسی از مدرسه نیز رانده شده‌اند نشان می‌دهد که آنان در دام ترغیب‌کنندگان بزهکاری افتاده و نهایتاً پس از ارتکاب جرایم و محدود شدن به توسط نظام کنترل اجتماعی، از ندامتگاهها و کانونهای اصلاح و تربیت سردر آورده‌اند.<sup>۳</sup>

یکی از مدیران مدارس بنا بر تجربه‌ای که در پی دیدار از یکی از مراکز به دست آورده، به این نتیجه رسیده است که هیچ‌گاه نباید دانش‌آموز را از مدرسه طرد کرد، چرا که با این امر سرنوشت غم‌انگیزی را برای او رقم خواهیم زد. او در جمع دانش‌آموزان مدرسه صمیمانه بیان می‌داشت: "من بعد از آشنایی با وضع بزهکاری که قبلاً در مدرسه دانش‌آموز بوده و از آنجا اخراج شده‌اند، به یک تصمیم اساسی رسیده‌ام و آن این است که از این پس هرگز دانش‌آموزی را از مدرسه اخراج نخواهم کرد، حتی اگر وی سینه مرا با چاقو پاره کرده باشد."

این تجربه عملی که از سر تأمل و سوز دل بیان شده است، بسیار عمیق و پرمعناست. پس بیاییم با نوجوانان و دانش‌آموزان خود آنچنان رفتار کنیم که تعلق خاطر آنان به خانواده هر روز بیشتر تثبیت شود. از تکرار تجربه‌های تلخ بپرهیزیم و از مدیران و اولیای فرهنگی صمیمانه بخواهیم که حقیقتاً مدرسه را به خانه دوم دانش‌آموزان بدل کنند، آن هم خانه‌ای خوب و خوشایند که ستونهای آن از تألیف قلوب است و نور و روشنایی آن از محبت و همدلی، وظیفه بس شایسته آن آموزش دانش و اخلاق، خاطرات آن یادگار شیرین‌ترین ایام عمر و ثمره آن سربلندی و سرافرازی است. اینچنین باد.

پی نوشتها

۱- گروه همسالان PEER GRUOP

۲- این تحقیق در شهرستان شهرکرد انجام شده است و آمار به توسط آقای تاجی معاون پرورشی استان در اختیار نگارنده قرار گرفته است.

۳- تحقیق منتشر نشده - بررسی بزهکاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت

خود دارای سه جنبه است: مسأله اجتماعی شدن، مسأله بذل توجه کافی به همه کودکان تا همگی برای یادگرفتن بخوبی برانگیخته شوند و سرانجام مسأله داشتن حداقل معیارها و ارزشها.

سومین ناحیه بروز مشکلات مربوط به طرح ریزیهای شغلی آینده با توجه به امکانات و استعدادهای موجود و چهارمین حوزه، سازگاری با جنس مخالف است.

به عقیده دکتر "رن" ۳ کودکان علاوه بر احتیاجات فوق الذکر به دو امر بسیار مهم دیگر نیز احتیاج دارند: تعیین حدود و فرصت اظهار وجود. منظور از این دو آن است که کودک باید هم میزان مسؤلیت و هم حدود آزادی خود را بداند. او باید بداند که در اجتماع خود و در سن خاصی که او دارد تا کجا می تواند فعالیت کند و در عین حال باید از او به قدر کافی حمایت شود تا در این میدان به فعالیت بپردازد و برای پیشرفت در مراحل بعدی آماده گردد. کودکان احتیاج دارند که معیارهایی برایشان تعیین شده، برای قبول این معیارها به آنان کمک شود.

بدارد. کودکی که متوجه شود که معلمش او را دوست ندارد مشوش و بیقرار می شود.

۴ - احتیاج به استقلال: کودکان مایلند که مسؤلیت انتخاب راهی را که مناسب و درخور استعدادهایشان است شخصاً به عهده بگیرند. معلم دانا می کوشد تا با ایجاد موقعیتهای مختلف کلاسی و غیرکلاسی فرصتهای مناسبی را برای ارضای این نیاز کودکان ایجاد کند.

این احتیاجات اساسی را می توان با آگاهی لازم و مهارت در ایجاد نگرشهای جدید و روابط صحیحی که نماینده سازمان رضایت بخشی از تجارب است ارضاء کرد. وجود این احتیاجات نتیجه تعادل ساختمان فرد و جریانات اجتماعی و ماهیت تجارب کودک است.

### ۳ - مشکلات معمولی که در میان کودکان دبستانی به چشم می خورد

مطالعات زیادی در زمینه مشکلات معمول در میان کودکان به عمل آمده است. یکی از کسانی که در این رشته کار کرده است "آربوکل" ۲ است. وی در گزارشهای خود چهار حوزه اساسی را که رایج ترین مشکلات کودکان معمولاً در آنها اتفاق می افتد به شرح زیر مشخص ساخته است.

اولین حوزه عبارت است از قبول خود که در آن والدین و معلمان نقش مهمی را در کمک به کودک برای قبول خویش و ایجاد رابطه صحیح با سایر افراد و محیط خود به عهده دارند. دومین حوزه سازگاری با مدرسه است که

پاورقیها:

- 1 - BLAIR
- 2 - ARBUCKLE
- 3 - WRENN